

مردم همیشه مقصر!

«شهروند» در جست و جوی پاسخ این سوال؛ چرا در رویدادهای اجتماعی متهم ردیف اول شهروندانند؟

دعوت می‌کند. «از این منظر نهاد‌های اجتماعی از حوزه مطالعات فردی خارج بوده و اصلاح‌شان غیرممکن به نظر می‌رسد.» به اعتقاد آب‌روشن واقعیت امر این است که حلقه مفقوده معضلات اجتماعی به کج کارکردی همین نهاد‌های در سایه وابسته است. نهاد‌هایی که ناکارآمدی‌شان رامخفی‌وبه شهروندان فرافکنی می‌کنند.

بازتولید دائمی آسیب‌های اجتماعی؟!

مسائل اجتماعی واقعیتی کلان و عینی‌اند. مسائلی که ویژگی‌های خاص خودشان را دارند. البته نباید از نظر دور داشت که حل مسائل اجتماعی صرفاً در توصیه‌های فردی نمی‌گنجند. به باور آب‌روشن مبارزه صرف با آسیب‌های اجتماعی و نپنداختن توأمان به بسترهای ایجاد آن گرفتاری در دور باطلی است. رویه‌ای که باعث بازتولید دائمی آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

انسان‌ها به شدت تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی هستند. ساختارهایی که ذهن انسان را در مسیرهای خاصی که از جهت نظری امکان وقوعش وجود دارد، هدایت می‌کنند. در واقع این ساختارها در انتخاب‌های فرد نقش اساسی دارند. به گفته آب‌روشن ساختارها و نهاد‌های کج کارکرد باعث می‌شوند فشارهای غیرمتعارفی بر افراد جامعه وارد شوند. «کسانی که آسیب‌پذیری بالایی دارند، فشارهای بیشتری را احساس می‌کنند.» زمانی که این استرس‌های بیرونی از آستانه تحمل فردی خارج شود، شاهد انواع بیماری‌ها خواهیم بود. در واقع این استرس‌ها به شکل انواع بیماری‌های روان‌تنی، افسردگی، خودکشی، خشونت یا انحرافات اجتماعی متبلور می‌شوند. متأسفانه تفکر حاکم بر جامعه به شکل سیستماتیک مسائل اجتماعی را به بُعد فردی تقلیل می‌دهد. زیرا برای پیشگیری از انحرافات اجتماعی متقاعد کردن و سازگاری افراد با وضعیت موجود راحت‌تر از این راه حل است که مسائل ریشه‌ای حل شوند. «تازمانی که بانسخه‌های روان‌شناسی، افراد را به سازگاری با وضعیت آنومیک موجود تشویق کنیم و به اصلاح ساختارهای بیمار که ناشی از بحران مدیریت در جامعه‌اند دست نزنیم، نه تنها معضلات اجتماعی ماکثر نخواهد شد، بلکه انتظام اجتماعی روبه‌اضمحلال خواهد رفت.»



به وجود می‌آورند، از هرگونه پاسخگویی مصون می‌مانند.»

مغفول ماندن جامعه‌شناسی در میانه معضلات اجتماعی
علم جامعه‌شناسی پتانسیلی است که جوامع از آن به عنوان بازوی مشورتی بهره می‌برند. بازویی که گاهی اوقات در برخی جوامع نسبت به آن بی‌مهری می‌شود. در واقع علم جامعه‌شناسی در ساختار این جوامع به رسمیت شناخته نمی‌شود. ادامه این رویه اتفاق بزرگ‌تری را رقم می‌زند؛ خاک خوردن پژوهش‌های انجمن جامعه‌شناسی به عنوان یک نهاد علمی و مستقل در حصار کتابخانه‌ها. ماجرای تلخی که روی دیگرش شبکه‌های اجتماعی مملو از نسخه‌های روان‌شناسی با رویکردهایی اشتباه نسبت به مسائل کلان اجتماعی است. در حقیقت تنها کارکرد این رویه حفظ وضعیت موجود است و پس. به باور این جامعه‌شناس، روان‌شناسی بین فرد و نهاد‌های مسئول، همیشه فرد را به تغییر نگرش یا سازگاری با وضعیت موجود

توزیع بهنجار واقعیت‌ها قرار می‌گیرند هم انحراف دارند. «این انحراف کمک می‌کند به عدم مسئولیت‌ها و نگهداری از هنجارهای جامعه.» به باور مهاجری رسانه‌ها هم در این میان ایفاگر نقش هستند.

رسانه‌هایی که به گفته این جامعه‌شناس از بودجه پایه بهره می‌برند. «۸۰ درصد بودجه فرهنگی در اختیار سازمان‌های فرهنگی موازی قرار می‌گیرد. تاثیر این سازمان‌ها بر اساس پژوهش ما تنها ۲۰ درصد است.» به باور او در حوزه سکانداری، نگهداری و ایجاد فرهنگ رسانه‌ها وظیفه‌شان را انجام نمی‌دهند. «به جای اینکه رسانه‌ها از مطالبه ملی بگویند، بیشتر در حالت توجیه هستند. غافل از اینکه ساختارهای جامعه ایرانی خیلی قدرتمندتر است در جالش فرد با ساختارها.» به گفته این جامعه‌شناس تنها یک مسیر پیش رو داریم. اینکه از طریق فرهنگی رسانه‌ای بتوانیم کمک کنیم در تغییر ساختارها. «اینکه چرا در تمام رویدادها بار پشه اجتماعی متهم اول شهروندان‌اند، مسأله حل نشده سالیان سال جامعه ما است. متأسفانه تنها راهی که مسئولان پیدا کرده‌اند، انداختن تقصیر به دوش افراد و پاک کردن صورت مسأله است تا شروع مسأله دیگر.»

روان‌شناسی درمانی، نسخه ناکارآمد معضلات اجتماعی

فهم دقیقی از مسائل اجتماعی نداریم؛ بزرگ‌ترین

باید این واقعیت را پذیرفت که

نسخه‌های فردی و روانی مشکلات اجتماعی را حل نکرده و آن را از مرز بحران خارج نمی‌کند.

در چنین رویه‌ای ساختارهای کج کارکرد که انگیزه و زمینه‌های نابسامانی را به وجود می‌آورند، از هرگونه پاسخگویی مصون می‌مانند

معضلی که سایه‌اش بر سر جامعه سنگینی می‌کند. مشکل بعدی پیچیدن نسخه‌های روان‌شناسی است برای حل مسائل اجتماعی. ابزاری شاید دم‌دستی برای نادیده گرفته شدن بی‌مبالاتی‌های ساختاری. به باور مصطفی آب‌روشن راهکارهای روان‌شناختی در معضلاتی که ریشه اجتماعی دارند، بی‌تاثیر نیستند. اگرچه این پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی بر این باور است که این تأثیرگذاری اندک است. «این مقدار به حدی است که تکیه کردن صرف بر این رویکرد، غیرمنطقی به نظر می‌رسد.» آب‌روشن رودخانه آلوده را برای شفافیت موضوع مثال می‌زند. راهکار روان‌شناسی برای پاک شدن رودخانه آلوده جداسازی قطره قطره آب و پاک‌سازی آن است. البته علم جامعه‌شناسی تأکید دارد باید منشأ آلودگی خشک شود تا آلودگی رودخانه از بین برود. «متأسفانه نظام اجتماعی در برخورد ناهنجاری‌ها به شکل ماهرانه‌ای تأکید بر روان‌شناسی درمانی دارد.» در واقع بهره بردن از روش‌های سازگاران افراد با واقعیت موجود. «باید این واقعیت را پذیرفت که نسخه‌های فردی و روانی مشکلات اجتماعی را حل نکرده و آن را از مرز بحران خارج نمی‌کند.» در چنین شرایطی روان‌شناسی ابزاری است برای اینکه انگشت اتهام یا اصلاح به سمت فرد نشانه برود. «در چنین رویه‌ای ساختارهای کج کارکرد که انگیزه و زمینه‌های نابسامانی را

لیلامهداد هاله‌ای از ابر سیاه بر سر شهر سایه می‌افکند و شاخص‌های کیفیت از ناسالم بودن هوا برای شهروندان می‌گویند. اولین متهم پرونده خودروهایی شخصی‌اند! کسی از برج‌سازی‌های بی‌حساب و کتاب و پریدن نفسگانه تهران حرفی به میان نمی‌آورد. مازوت‌سوزی کاملاً تکذیب می‌شود و موضوع حمل و نقل فرسوده و گاهی ناکافی مغفول می‌ماند. مرگ‌ومیرهای کرونایی سه رقمی می‌شوند در غیاب نبود محدودیت‌های سخت و سفت و قرنطینه‌های جدی. اما اولین متهم این پرونده شهروندان‌اند. آنها زمانی به دلیل مسافرت‌ها سرزنش می‌شوند و گاهی به دلیل نزدن دوزهای یادآوری واکسن. اما این سوال مطرح نمی‌شود چرا محدودیت‌های سخت و سفت وضع نمی‌شوند تا شهروندان از سر ناچاری هم شده مراعات کنند؟ آخرین سوپیه کودکان رانشانه رفت، اما دوباره متهمان خانواده‌ها بودند در تعلق زدن واکسن، نه چرایی بازگشایی مدارس در اوچ‌گیری سوپیه. جاده‌های نامناسب و خودروهایی بی‌کیفیت بهانه‌ای می‌شوند برای مرگ سالانه ۴۰ هزار شهروند. در این پرونده هم انگشت اتهام شهروندان رانشانه می‌رود. همه از بی‌احتیاطی‌ها، سرعت غیرمجاز، خواب‌آلودگی و... می‌گویند. اگرچه اینها هم بخشی از این سناریوی تلخ هستند. اما کمتر کسی به کیفیت پایین خودروها اشاره دارد باز جاده‌های بی‌کیفیت می‌گوید. حتی کسی نیست به این چرایی پاسخ دهد که جرمه‌های مختلف با رقم‌های قابل ملاحظه چه نقشی در این داستان تلخ داشته‌اند!

۳ خرده‌فرهنگ بلای جان

پرسش‌های جامعه‌شناختی و پاسخ‌های روان‌شناختی. خرده‌فرهنگی متداول در کشور که بسیار ریشه‌دار هم هست. به باور اصغر مهاجری، این خرده‌فرهنگ سیاسی مربوط به سال‌های اخیر نیست. به اعتقاد این جامعه‌شناس پاسخ‌های روان‌شناختی کارکرد پنهانی هم به خود می‌بینند. پنهان شدن پشت پاسخ‌های روان‌شناختی برای پاسخ‌ندادن به مسئولیت‌هایی که باید انجام می‌شدند. به گفته این پژوهشگر مسائل اجتماعی این خرده‌فرهنگ در کنار خرده‌فرهنگ فقدان شفافیت کار را ساختار می‌کند. در شرایطی که گردش اطلاعات و داده‌ها در ظرف‌های گلی هستند می‌توان با فرافکنی پاسخ‌های جامعه‌شناختی به روان‌شناختی از فقدان شفافیت بهره برد. به باور مهاجری خرده‌فرهنگ دیگری هم هست که شرایط را ساختار کرده و به کمک دو خرده‌فرهنگ دیگر می‌آید. خرده‌فرهنگ ملوک‌الطوایفی یعنی یک مسئولیت با چندین مسئول. «ما شاهد سازمان‌های موازی در هر یک از حوزه‌ها هستیم.» سازمان‌هایی که به وقت بودجه بندی همه چیز را می‌پسند و در وقت پاسخگویی خبری از آنها نیست. «این مسأله و مشکل محدود به یک حوزه نیست. ما سازمان‌های متعددی داریم که به وقت بودجه بندی صدای بلندی دارند. سازمان‌هایی که در زمان پاسخگویی از این حربه بهره می‌برند؛ کی بود، کی نبودم.» در چنین شرایطی دو ضلع فقدان شفافیت و پاسخ‌های روان‌شناختی به پرسش‌های جامعه‌شناختی به کمک این مسئولان می‌آیند.

در جامعه پذیر بودن، موفق بوده‌ایم؟

در گفتن از مسئولیت‌ها و اولویت‌ها در ادبیات سیاسی باید از تحقق درست فرآیند جامعه و فرهنگ‌پذیری نام ببریم. در واقع هر شهروند در هر نقش و مسئولیتی که به عهده دارد، مسئولیت‌هایی به دوش می‌گیرد. چه این شهروند دانش‌آموز باشد، چه مدیر سطح بالا و... باید نقش‌ها و مسئولیت‌هایی را در جامعه به عهده بگیرد.

اگر هر یک از شهروندان مسئولیت‌های‌شان را به خوبی ایفا نمی‌کنند یک معنا بیشتر ندارد. اینکه در فرآیند جامعه و فرهنگ‌پذیری قرار نگرفته‌اند. به اعتقاد مهاجری مرحله آخر جامعه‌پذیری درونی شدن است. در حقیقت اگر یک هنجار، باور یا قانونی درونی شود، یک راه بیشتر باقی نمی‌ماند، اجرای آن. «اگر شهروندی قانون، باور یا هنجاری را مراعات نمی‌کند، پس فرآیند جامعه‌پذیری را نگذرانده است.» هر رویدادی در نهایت منتهی می‌شود به شهروندی که در مظان اتهام‌اند. اگر فرد هم مقصر باشد، بر فرض محال این برمی‌گردد به کم‌کاری مدیران بالادستی در جامعه‌پذیر کردن شهروندان. در چنین شرایطی فرسایش سرمایه اجتماعی هم مزید بر علت شده برای دامن زدن به مسأله. «سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر به خصوص در ۱۳-۱۲ سال اخیر با فرسایش روبه‌رو بوده.» واقعیت مسأله این است که به هر میزان اعتماد اجتماعی و پویایی ارتباطی کمتر باشد، شفافیت کمتری را شاهد خواهیم بود.

جای خالی طبقه متوسط!

قشر متوسط جامعه، سوپاپ اطمینان جامعه. بخشی که محل تجمع ارزش‌ها و هنجارهاست. به باور مهاجری این بخش از جامعه گروه‌نگه دارند. «اغلب کارگران جامعه که نقش‌های مهم پاسخگویی را انجام می‌دهند، در این قشر قرار می‌گیرند.» به گفته این پژوهشگر مسائل اجتماعی قشر متوسط هر سال لاغرتر می‌شود. «قشر متوسط باید ۷۰ درصد جامعه را تشکیل بدهد، اما سهم این قشر بسیار پایین‌تر است. این مسأله به واقع نگران‌کننده است.» قشر‌های غیرمتوسط جامعه که در زاویه‌های انحرافی بالا و پایین

بسته‌های اینترنت آسیاتک

«ویژه ثبت نام اولیه»

فرصت ویژه خرید
اینترنت تا ۳۰ آذر

۲۰۰GB سه ماهه ۱۰۰/۰۰۰ تومان

۷۰۰GB شش ماهه ۳۰۰/۰۰۰ تومان



جهت ثبت نام و خرید
کد بالا را اسکن کنید

داخلی (۳) ۱۵۴۴ | asiotech.ir

آسیاتک
asiotech

دارای مجوز FCP به شماره ۱۶-۹۴-۱۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی